



رشد و  
توسعه  
اقتصادی  
پایدار یا  
انحطاط  
راهبرد  
توسعه  
صادرات  
میلر  
می‌گردد

اشاره:

پس از جنگ دوم جهانی بسیاری از کشورها درصدد برآمدند که اقتصاد خود را بازسازی کنند. در این میان کشورهای درحال توسعه نیز برای جبران عقب‌ماندگی‌های اقتصادی به‌گزینش و اجرای الگوهای توسعه اقتصادی روی آوردند. شماری از کشورهای درحال توسعه به الگوی جایگزینی واردات روی آوردند تا وابستگی اقتصادشان به واردات از کشورهای پیشرفته را کم کنند و به سرمایه‌گذاری در این‌گونه طرح‌ها روی آورند. شماری نیز از اواسط دهه ۱۹۶۰ به‌گزینش الگوی توسعه صادرات و اجرای آن پرداختند. تجربیات ثبت‌شده نشان از توفیق کشورهای دارای به الگوی تشویق و توسعه صادرات روی آورده‌اند و امروزه در شمار کشورهای توسعه‌یافته یا تازه صنعتی شده قرار دارند که نمونه بازر آن کشورهای شرق آسیا می‌باشند.

در این گزارش به تحلیل و بررسی الگوی توسعه صادرات به عنوان یک راهبرد اقتصادی - تجاری می‌پردازیم.

## الگوی تشویق و توسعه صادرات

از اواسط دهه ۱۹۶۰ میلادی، شماری از کشورهای در حال رشد آن زمان به‌ویژه در شرق آسیا الگوی جایگزینی واردات که موجب سرمایه‌گذاری در طرح‌هایی شده بود که تولیدات قابل عرضه در بازارهای جهانی نداشت و در انتقال فن‌آوری نقش عمده‌ای ایفا نمی‌کرد و در مقابل بار بدهی‌های خارجی کشورهای مجری این الگو را افزایش می‌داد، رها کردند. آنها به الگوی تازه‌ای برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار روی آوردند که به الگوی تشویق و توسعه صادرات معروف است.

هواداران این الگوی توسعه اقتصادی معتقدند که با وجود محدودیت منابع به‌ویژه منابع ارزی برای ایجاد طرح‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، اجرای طرح‌های برون‌گرا با نیم‌نگاهی به بازارهای بین‌المللی می‌تواند از وابستگی روزافزون به منابع ارزی برای واردات بکاهد و از سوی دیگر منشأ کسب درآمد ارزی و تقویت قدرت رقابت اقتصاد ملی در بازارهای بین‌المللی باشد.

الگوی توسعه صادرات در جریان سرمایه‌گذاری به انتقال دانش فنی و ارتقاء مهارت‌های نیروی انسانی توجه خاص دارد. چنانچه اقتصاد ملی در روند هدایت سرمایه‌گذاری در جامعه به‌ویژه در بخش‌های مولد اقتصادی به طرح‌هایی توجه داشته باشد که ماحصل تولیدات آن با برخورداری از فن‌آوری مناسب قابل عرضه در بازارهای بین‌المللی شود، بنگاه‌های اقتصادی در مرحله فعالیت تولیدیشان به خودگردانی ارزی و سپس به دوران ارزآوری وارد می‌شوند و در نتیجه از نیازهای ارزی آنها در میان‌مدت کاسته و سپس قطع می‌شود.

○ طرفداران راهبرد توسعه و تشویق صادرات، به تولید برای صادرات توجه ویژه دارند و چه بسا سرمایه‌گذاری‌هایی فقط برای عرضه تولیدات به بازارهای خارجی صورت بگیرد که به رشد درآمد ارزی کمک می‌کند.

طرفداران این راهبرد تجاری به تولید برای صادرات توجه خاص دارند و چه بسا سرمایه‌گذاری‌هایی فقط برای صدور تولیدات به بازارهای جهانی (نه بازارهای داخلی) شکل بگیرد. با اتخاذ چنین راهبردی، بازار تولیدات به درون مرزها محدود

نمی‌شود و تولیدکنندگان بازارهای جهانی را مدنظر دارند. کشورهایی که به این راهبرد روی آوردند تا اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی با فزونی بدهی خارجی روبه‌رو شدند، اما از آنجا که اقتصادشان به مزاد تراز بازرگانی در اثر رشد پایدار صادرات دست یافت، به تدریج توانستند تعهدات خارجی را نیز بازپرداخت کنند.

اغلب کشورهایی که به الگوی توسعه و تشویق صادرات روی آوردند، با ایجاد مناطق آزاد تجاری صنعتی یا مناطق پردازش صادرات، زمینه‌های مساعدی را برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی به وجود آوردند. در این مناطق که نشانی از حمایت‌های دولتی به چشم نمی‌خورد، قوانین و مقررات سرمایه‌گذاری و فعالیت در زمینه اقتصادی، تجارت خارجی و... به‌گونه‌ای تدوین و اجرا شد که حداقل مقررات دست‌وپاگیر در برابر سرمایه‌گذاران خارجی قرار گرفت و حمایت‌ها و تضمین‌های لازم برای انتقال سرمایه و سود ناشی از فعالیت اقتصادی به خارج نیز صورت پذیرفت.

مناطق پردازش صادرات به جذب سرمایه‌گذاری‌های کلان و ایجاد شرکت‌های بزرگ با کمک شرکت‌های چندملیتی، انتقال فن‌آوری و... کمک کرد. این مناطق در افزایش میزان اشتغال نقش بسزایی داشتند. به‌گونه‌ای که اشتغال در این مناطق از ۵۰ هزار نفر در سال ۱۹۷۰ به بیش از ۱/۲ میلیون نفر در سال ۱۹۸۶ افزایش یافت. جوهره اصلی مناطق پردازش صادرات در آینده توسعه این قبیل مناطق به منظور تولید کالا نه فقط برای ذخیره‌سازی و تجارت نهفته است. مناطق پردازش صادرات قلمروهای اقتصادی و اجتماعی جداگانه‌ای هستند که در آنها شرکت‌های خارجی با بهره‌گیری از یارانه‌ها و معافیت‌های مالیاتی و امتیازات کم‌رکی و به کمک نیروی کارگر ارزان محلی به تولید کالاهایی می‌پردازند که هزینه تمام‌شده کمتری دارند و قابلیت رقابت بیشتری در بازارهای بین‌المللی دارا می‌باشند. وجود فعالیت این‌گونه مناطق به کشور میزبان این امتیاز را دارد که ضمن ایجاد فرصت‌های شغلی برای مردم، زمینه انتقال دانش فنی و فن‌آوری و ارتقاء مهارت نیروی انسانی در سایه مشارکت سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در طرح‌های تولیدی فراهم آید و فرآیند صنعتی شدن کشور میزبان میسر گردد. تنها کشورهایی در این راهبرد به توفیق دست یافتند که به الگوی تشویق و توسعه صادرات روی آوردند. آنها حتی در اقتصاد ملی نیز به انجام تعدیلات ساختاری و نیز مقررات‌زدایی برای جذب سرمایه‌گذاران بین‌المللی روی

جذب آنها را فراهم سازند. به این ترتیب مشکل محدودیت منابع سرمایه‌گذاری به تدریج با مشارکت سرمایه‌گذاران بین‌المللی در طرح‌های سرمایه‌گذاری از بین می‌رود.

دوم آنکه، اکثر کشورهای درحال توسعه با رشد جمعیت و جوانی جمعیت روبه‌رو هستند که ایجاد زمینه اشتغال برای آنها مستلزم سرمایه‌گذاری در طرح‌های اقتصادی است. با جذب سرمایه‌گذاران خارجی و ایجاد طرح‌های مولد اقتصادی، زمینه اشتغال برای جوانان فراهم می‌گردد، مشکل بیکاری تخفیف یافته و از معضلات اجتماعی ناشی از بیکاری جوانان کاسته می‌گردد. لذا راهبرد توسعه صادرات می‌تواند با جذب سرمایه‌گذاران در طرح‌های مولد اقتصادی در رفع مشکل بیکاری مؤثر واقع شود.

سوم آنکه، اکثر کشورهای درحال توسعه دارای منابع معدنی و خام فراوانی هستند که به لحاظ کمبود منابع سرمایه‌گذاری و فقدان دسترسی به فن‌آوری، قادر به فرآوری این مواد و صدور کالاهای باارزش افزوده بیشتر و کسب درآمد ارزی بهتر، نمی‌باشند. راهبرد توسعه و تشویق صادرات سبب می‌شود که با جذب سرمایه‌گذاری و فن‌آوری نوین، رشد صادرات کالاهای باارزش افزوده بیشتر (محصولات واسطه‌ای و نهایی) میسر گردد. در نتیجه امکان تخصیص بهینه منابع اقتصادی نیز به تدریج فراهم می‌گردد.

چهارم آنکه، راهبرد تشویق و توسعه صادرات به دستیابی به مازاد تراز بازرگانی کمک می‌کند. از آنجا که رشد صادرات به لحاظ تولید کالاهای قابل عرضه در بازارهای جهانی و بدون محدودیت بازار فروش، به‌طور مستمر تداوم پیدا می‌کند، تراز تجارت خارجی با مازاد مواجه می‌شود. کشورهای که الگوی جایگزینی واردات را اتخاذ کردند، اغلب با کسری تراز تجاری روبه‌رو می‌شدند، زیرا سرمایه‌گذاری‌های آنها نقش بزرگی در رشد صادراتشان نداشت. اما این مشکل با توجه به پرونگرایی اقتصادی در راهبرد توسعه صادرات نمود پیدا نکرد.

○ انجام تعدیلات ساختاری اقتصادی از جمله مقررات‌زدایی، آزادسازی پولی و تجاری، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، هدایت کلان اقتصادی از سوی دولت و خصوصی‌سازی و... اساس راهبرد توسعه صادرات است.

آوردند و توانستند نه تنها در مناطق پردازش صادرات خود، بلکه در سراسر کشور به توسعه صنعتی و تجارت روی آورند.

○ اغلب کشورهای که به راهبرد توسعه صادرات رو می‌آورند، با ایجاد مناطق پردازش صادرات، زمینه‌های مساعد برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، انتقال فن‌آوری، حضور در عرصه‌های رقابت جهانی، رشد اشتغال و... فراهم نمودند و توانستند به رشد سریع صادرات و رشد بالای اقتصادی دست یابند.

از نظر کارشناسان اقتصادی، راهبرد توسعه صادرات چندین مزیت دارد. اول آنکه اغلب کشورها به‌ویژه کشورهای درحال رشد همواره با محدودیت و کمبود منابع سرمایه‌گذاری درگیر هستند. محدودیت سرمایه امکان سرمایه‌گذاری در طرح‌های با فن‌آوری نوین را از بین می‌برد و برای تأمین منابع سرمایه‌گذاری دو راه پیش رو می‌باشد. استقراض از منابع خارجی یا جذب سرمایه‌گذاری خارجی.

کارشناسان معتقدند که اگر استقراض خارجی به سرمایه‌گذاری در طرح‌های ارزآور تخصیص نیابد، بازپرداخت تعهدات خارجی با توجه به محدودیت سرمایه در کشورهای در حال توسعه، دشوار خواهد بود. همان‌گونه که از اوایل دهه ۱۹۸۰ بسیاری از کشورهای درحال توسعه بدهکار، با انباشت تعهدات خارجی و فقدان توان مالی برای بازپرداخت اقساط و بهره بدهی روبه‌رو شدند. اما چنانچه محدودیت منابع سرمایه با جذب سرمایه‌گذاری خارجی (به‌طور مستقیم یا مشترک) در طرح‌های تولید کالا برای صادرات تمرکز پیدا کند، رشد درآمدهای صادراتی را به همراه خواهد داشت، در حالی که سرمایه‌گذاران از محل منابع خود به انتقال سود سرمایه‌گذاری می‌پردازند و در نتیجه تأثیری در انباشت تعهدات خارجی نخواهد داشت.

کشورهایی که راهبرد توسعه و تشویق صادرات را اتخاذ می‌کنند، تعدیلات ساختاری از جمله مقررات‌زدایی، آزادسازی انتقال پول، آزادی تجارت خارجی و... را مدنظر دارند، به گونه‌ای که می‌توانند ضمن ارایه تضمین‌های لازم به سرمایه‌گذاران خارجی (در قبال ملی شدن سرمایه‌هایشان و نیز انتقال سود و سرمایه به خارج)، زمینه‌های مناسب برای

○ کشورهایی که راهبرد توسعه صادرات را اتخاذ نمودند، با همکاری شرکت‌های چندملیتی و استفاده از نیروی کار ارزان خود توانستند به تولید کالاهای با کیفیت ارزان قیمت بپردازند و در عرصه تجارت خارجی به بازاریابی و رشد صادرات نایل آیند.

اکثر کشورهای درحال رشد، تجربه زیادی در زمینه بازاریابی و حضور در بازارهای جهانی ندارند، در حالی که کشورهای که از راهبرد توسعه صادرات پیروی کردند، به کمک جذب سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی بزرگ، توانستند از تجربیات آنها برای حضور در بازارهای بین‌المللی و رقابت در مرحله جهانی بهره بگیرند. از سوی دیگر ارزانی نیروی کار در کشورهای درحال توسعه سبب می‌شد که قیمت تمام‌شده تولیدات آنها کاهش پیدا کند و این مزیتی برای رقابت بهتر در عرصه‌های جهانی بود.

کارشناسان اقتصادی بر این باور هستند که در میان راهبردهای توسعه پایدار اقتصادی، راهبرد تشویق و توسعه صادرات به لحاظ عملکرد بهتر در رشد تولید ناخالص داخلی، افزایش درآمدهای ارزی، تنوع‌بخشی بر درآمدهای صادراتی، انتقال فن‌آوری، ارتقاء مهارت‌های نیروی انسانی و... توفیق بیشتری یافته است و تجربه کشورهای جنوب شرقی آسیا در دستیابی به رشد اقتصادی بیش از ۱۰ درصد در سال طی دهه ۱۹۸۰ و بیش از ۷ درصد در دهه کنونی گواه بر این ادعاست.

کارشناسان بر این عقیده هستند که کشورهای نظیر ایران اگر بخواهند راهبرد تشویق و توسعه صادرات را برگزینند و در این زمینه به توفیق دست پیدا کنند، باید به موارد زیر توجه کنند.

۱- ایجاد بستر مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی (در درون اقتصاد ملی یا در مناطق آزاد تجاری - صنعتی) از طریق ارائه تضمین‌های کافی در قبال مصادره یا ملی شدن سرمایه‌گذاری‌ها و نیز انتقال سرمایه به خارج از کشور.

۲- اصلاحات ارزی، به لحاظ وجود یک نرخ ارز شناور که براساس عرضه و تقاضا در بازار تعیین می‌گردد، برای محاسبه نقل و انتقالات پولی به درون اقتصاد ملی و خروج آن از اقتصاد کشور.

۳- شناسایی زمینه‌های سرمایه‌گذاری با بررسی امکانات و توانمندی‌های بالقوه موجود اقتصادی، زمینه‌های سرمایه‌گذاری برای تولید کالاهای با ارزش افزوده بیشتر و صدور آنها شناسایی شوند. در زمینه‌های مورد نظر برای جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و انتقال فن‌آوری، می‌توان امتیازات خاص گمرکی و مالیاتی اعطا کرد تا روند سرمایه‌گذاری در این زمینه تسهیل گردد.

۴- مقررات زدایی. اکثر کشورهای درحال رشد مانند ایران دارای یک دستگاه عریض و طویل دولتی و مقررات گوناگون دست‌وپاگیر می‌باشند. برای رشد سرمایه‌گذاری در این کشورها، کاهش مقررات دست‌وپاگیر و ارائه تسهیلات بیشتر به سرمایه‌گذاران در طرح‌های مولد اقتصادی، ضروری است. قوانین حاکم بر تجارت خارجی، کار، بیمه، بانکی و... عملاً مانع از هدایت سرمایه‌ها به طرح‌های مولد اقتصادی است و اغلب در این کشورها امور واسطه‌گری و دلالی با سودهای سرشار مدنظر سرمایه‌داران است، زیرا بدون پرداخت مالیات‌های کلان و درگیری با دستگاه اداری و قانون و مقررات به سود بیشتری می‌رسند.

۵- رونق مناطق پردازش صادرات. در ایران منطقه پردازش صادرات تشکیل نشده و مناطق آزاد تجاری - صنعتی که هدفشان جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تولید برای صادرات است، به لحاظ مشکلات ساختار اقتصادی - اجتماعی منطقه نتوانسته‌اند در جذب سرمایه‌های خارجی توفیقی به دست آورند. ضرورت دارد که در این زمینه فعالیت بیشتری صورت گیرد و فضای مساعد برای فعالیت و مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی در امور تولیدی و خدماتی در این مناطق فراهم آید.

○ الگوی جایگزینی واردات، موجب سرمایه‌گذاری در طرح‌هایی شد که تولیدات قابل عرضه در بازارهای جهانی به لحاظ ضعف فن‌آوری نداشت و لذا بار بدهی‌های خارجی کشورهای استفاده‌کننده از این راهبرد را سنگین‌تر کرد.

۶ ایجاد فضای مساعد برای فعالیت بخش خصوصی. در اکثر کشورهای درحال رشد از جمله ایران، دولت نقش زیادی در سیاست‌گذاری‌ها و اجرا در بخش اقتصادی دارد. از آنجا که



رانت‌های اقتصادی ویژه برای برخورداران از ارز ارزان را فراهم می‌سازد. زمینه رقابت بنگاه‌های اقتصادی خصوصی را تنگ می‌سازد. از طریق یکسان‌سازی نرخ ارز نه تنها انتقال سرمایه‌های خارجی به اقتصاد ملی فراهم می‌آید، بلکه فضای رقابت سالم، ارزیابی دقیق طرح‌های سرمایه‌گذاری با توجه به توجیه و بازده طرح‌ها فراهم می‌شود.

در یک کلام، اساس اجرای راهبرد توسعه صادرات، انجام تعدیلات ساختار اقتصادی است که باید دیر یا زود در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران عملی گردد. تأخیر در اجرای این تعدیلات فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری را از دسترس خارج می‌سازد و اتکا به صدور مواد خام (از جمله نفت) را برای تأمین ارز موردنیاز پروژه‌های اقتصادی بیشتر می‌کند.

لذا چنانچه برنامه اقتصاد بدون نفت بخواهد به اجرا درآید و به موفقیت برسد، ضرورت دارد که اصلاحات اقتصادی در چارچوب راهبرد توسعه صادرات مدنظر مسؤلان قرار گیرد.

مدیریت دولتی فاقد انگیزه‌های لازم برای فعالیت‌های قابل رقابت در عرصه جهانی است. کارآیی واحدها و بنگاه‌های اقتصادی در حد قابل قبول نمی‌باشد. از این رو گسترش خصوصی‌سازی در اقتصاد و ایجاد فضای مساعد برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داخلی و خارجی، ضروری است. دولت می‌بایست وظیفه سیاست‌گذاری هدایت و حمایت به‌جا از تولیدات داخلی در چارچوب مقررات گمرکی قابل قبول در سطح بین‌المللی را مدنظر قرار دهد.

۷- آزادسازی تجارت خارجی. یکی از وظایف دولت‌هایی که راهبرد توسعه و تشویق صادرات را برمی‌گزینند، آزادسازی تجارت خارجی و ایجاد تسهیلات لازم برای رشد صادرات می‌باشد. دولت در بحث کلان قضیه باید به توازن در تجارت خارجی بیندیشد. این توازن فقط با محدودیت واردات برقرار نمی‌گردد، بلکه تلاش دولت می‌بایست بر ایجاد تراز تجارت خارجی با تکیه بر رشد مستمر صادرات معطوف گردد.

○ تأخیر در اجرای اصلاحات ساختاری اقتصادی، مانع اجرای راهبرد توسعه صادرات است و فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری را از دسترس خارج می‌کند.

۸- یکسان‌سازی نرخ ارز. وجود نرخ‌های ارز متفاوت که